

## بسترهای هدایت پذیری انسان ها و نشانه های آن از دیدگاه قرآن

حمید مرادی<sup>۱</sup>، یداله ملکی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکترای گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

### چکیده

خداوند متعال برنامه هدایت گری و هدایت پذیری موجودات را از آغاز هبوط آدم (ع) بر روی زمین بخصوص انسان ها به دو طریق تکوینی و تشریعی قرار داده است. با مطالعه قرآن این موضوع برای ما روشن می شود. از دیدگاه قرآن هدایت انسانها سنت حتمی الهی است که قرآن در آیات متعدد به این امر اشاره فرموده است. و هم چنین خداوند متعال در قرآن بهره مند ساختن امت ها از هدایت و هادی را جز سنت های حتمی خود می داند که در قرآن به این امر اشاره شده است. خداوند بحث ناتوانی بشر برای هدایت بدون وحی و استمداد الهی را امری غیر ممکن می داند و در این زمینه به ناتوانی معبودان باطل مشرکان از هدایت انسانها و همچنین ناتوانی پیامبر (ص) بر هدایت گمراهان در صورت عدم تعلق مشیت و اراده خداوند بر آن هدایت، اشاره کرده است. در اینجا به مباحث زمینه های هدایت پذیری و نشانه های هدایت پذیری از دیدگاه قرآن پرداخته می شود.

**واژه های کلیدی:** هدایت، رشد، انسان، قرآن

## مقدمه

به نیابت از گشاینده دروازه های هدایت مهدی آل محمد و چراغ هدایت حضرت امام حسین(ع) آن چراغ روشن‌گرتاریکی هاوکشف کننده پوشش ها و راهنما و هادی و گشاینده دروازه های هدایت و مسدود کننده درهای هلاکت و نابودی، بر آن شدم تا این مقاله را در باب هدایت انسان در قرآن بنگارم که به سوی درهای هدایت رهنمون باشد و از راه های هلاکت دور سازد. بررسی همه جانبه هدایت انسان در قرآن که اولین رسالت اوست رساله ای مستقل می طلبد. هدایت اصیل ترین، جاودانه ترین و زیبا ترین راز هستی و نیاز آدمی است که در این راه مؤمنان و عالمان فراوان برای دفع توطئه و گمراهی مانعان هدایت جان فدا کرده اند. در این میان نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی به ویژه اسلام و پیامبر گرامی اسلام و جانشینان برحق او برجسته می باشد. مقاله حاضر بیانگر معرفی گوشه ای از اسباب و علل و بسترهای هدایت و نشانه های آن در قرآن است. امید است وسیله ای باشد برای اقشار مختلف مردم به ویژه نسل جوان، تا با شناخت بیشتری به بسترهای هدایت آگاهی یافته و نشانه های آن را شناخته، راهای استفاده از آن و مقابله با موانع را در یابند. در ضمن لازم است اشاره شود که در این مقاله ابتدا بسترهای هدایت از جمله: قرآن کریم و اهل بیت (ع) و راه یافتگان به هدایت واقعی بحث شده است تا ذهن خواننده محترم نسبت به اصل بحث هدایت روشن شود و در یابد که هدایت واقعی چیست و هدایت یا فتگان چه کسانی هستند؟ سپس به نشانه های هدایت پذیری انسان ها پرداخته شده است.

## پیشینه

خداوند متعال برنامه هدایت گری و هدایت پذیری موجودات را از آغاز هبوط آدم (ع) بر روی زمین بخصوص انسان ها به دو طریق تکوینی و تشریعی قرار داده است. با مطالعه قرآن این موضوع برای ما روشن می شود که از زمان خلقت حضرت آدم (ع) تاکنون همیشه بحث هدایت و هدایت پذیری انسان یکی از مباحث مهم مورد توجه بشر بوده است و در این زمینه به فراخور بحث، مطالعات زیادی صورت گرفته و کتب و مقالات متفاوتی در این زمینه به رشته تحریر در آمده است. با توجه به اینکه این پژوهش تاکنون بصورت مستقلی بصورت پایان نامه، کتاب و مقاله به انجام نرسیده است اما با توجه به مطالعات گسترده این جانب در تفاسیر متعدد قرآن، کتب مختلفی که به نوعی در زمینه انسان و مباحث هدایت پذیری وی نوشته شده و مقالات مختلفی که به نوعی با موضوع مورد پژوهش مربوط است دریافت می شود که بطور پراکنده در تفاسیر در ذیل آیات مختلف که مربوط هدایت پذیری انسان است به این موضوع پرداخته شده است. در این زمینه وقتی به تفاسیر رجوع می شود می بینیم که در ذیل آیات به مبحث بسترها و علائم و موانع هدایت پذیری انسان اشاره شده است از جمله صاحب مجمع البیان در ذیل آیه ۳۸ بقره بیان کرده است که دلالت، ملازمه با پیروی ندارد و ممکن است دلالت باشد اما پیروی نباشد ولی اهداء و هدایت یافتن همیشه در اثر پیروی و قبول است که شیخ طبرسی یکی از بسترهای هدایت را قبول هادی و پیروی از او می داند و همچنین ایشان در تفسیر خویش در رابطه با علائم هدایت پذیری با توجه به آیات متعددی از قرآن به این مبحث پرداخته است که در ذیل آیات ۳ بقره و ۱۷۱ انعام و ۲۲ زمر به این علائم پرداخته است. و علامه طباطبایی در مبحث موانع هدایت پذیری در ذیل آیات مربوطه به عنوان نمونه آیه ۵۷ سوره قصص، جهل را یکی از موانع هدایت پذیری در انسان می داند. ایشان این آیات را به عنوان بهانه های مشرکین مکه برای ایمان نیاوردن به کتاب خدا بیان می کند همچنین از میان تحقیقات صورت گرفته می توان به پایان نامه هدایت و ضلالت از دیدگاه قرآن و حدیث آقای محمدعلی رستمیان، اشاره کرد. آنچه در این رساله مورد بررسی قرار گرفته است، مسئله هدایت و ضلالت و زمینه هایی است که انسان به وسیله آنها به هدایت می رسد

و یا به سقوط در می افتد. این موضوع با توجه به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) بررسی شده است. همچنین از جمله پایان نامه انجام شده می توان به پایان نامه بررسی روش های دعوت و هدایت از دیدگاه قرآن و حدیث از مولابخش اربابی در رابطه با بررسی و تحلیل روش های دعوت و هدایت مطروحه در قرآن و حدیث است. همچنین مقاله هدایت از منظر قرآن به نویسندگی آقای سید علی حسینی قورتانی که بر آن است تا از نگاه قرآن کریم، هدایت را معنا کند و هدایت را به معانی متعددی بیان کرده که به دو معنای آن اشاره‌ی مستقیم نموده و در ادامه‌ی مباحث با طرح پرسشی که چرا خدای تعالی هدایت را در راستای ایمان قلمداد نموده است و شرط اساسی برای هدایت را داشتن تقوی و یا مومن بودن بیان نموده است و در پایان بخش چند مورد از مواردی که از نگاه قرآن کریم، هدایت بسیار نقش سازنده ای دارد را بیان نموده و به تحلیل آن پرداخته است.

### ضرورت و اهداف

تا به حال درباره موضوع هدایت پذیری- که به حوزه علوم انسانی مربوط می شود - تفحصات فراوانی انجام گرفته است و محققین زیادی در حوزه های علوم مختلف ابعادی از آن را مورد تحقیق قرار داده و آن را در شکل دیگر علوم مختلف انسانی مورد تفقد قرار داده اند، اما بنظر می رسد پرداختن به مجموعه بسترها و علائم و نشانه هایی که هدایت پذیری آدمی را ایجاب می کند و اهداف آن را موجودیت می بخشد و نگاه صحیح و دقیق قرآن به این مقوله علی رغم فضای داخلی و خارجی که پیرامون ما فراموشی از حق و هادیان و برگزیدگان آن در بر گرفته است، در مجموعه ای جداگانه و مستقل بصورت مدون و تبیین شده انجام نشده و در شکل رساله ای عملی نشده است. لذا پرداختن به این موضوع دارای جنبه نو و تازه می باشد. از آنجایی که در تحقیقات بعمل آمده کتاب یا پژوهش مستقلی که همه عناوین موضوع را در بر گرفته باشد وجود ندارد. این رساله قصد دارد برای جامعه علمی دانشگاهی، آموزش و پرورش، حوزه های علمیه، واعظان، روانشناسان و کلیه کسانی که با امر تعلیم و تربیت در حوزه انسان شناسی سرو کار دارند مسندی مفید باشد.

### تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم

هدایت : فیومی واژه هدایت را به زبان حجازی به معنای طریق و راه بکار برده است که هَدِیْتَه به معنای «به او راه را نشان دادم» ( فیومی، ۱۴۱۴ ق ) و همچنین در مفردات به این معنی آمده است ؛ راهنمایی کردن با عنایت و مهربانی و همچنین راغب هدیه را نیز از همین باب می داند و همچنین به معنی خلاف گمراهی نیز آمده است ( راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق )

قرآن: راغب می گوید از واژه قرأ به معنی کنار هم نهادن حروف و کلمات است ( راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق )

رشد: رشد به معنای صلاح و خلاف گمراهی و رسیدن به راه درست و همچنین برای هدایت استعمال شده است و هم چنین به معنی راهبری بسوی خیر و صلاح دانسته است (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش)

انسان: این واژه در مذکر و مؤنث یکسان بکار برده می شود و نیز بر مطلق جنس بشری گفته می شود. و همچنین این کلمه ۶۵ بار در قرآن مجید بکار رفته است، با مراجعه به موارد آن خواهیم دید که از آن جسم ظاهری و صورت ظاهری مراد نیست چنانکه در بشر مراد است، بلکه باطن و نهاد و استعداد و انسانیت و عواطف او در نظر است.

## بسترهای هدایت گری انسان ها از دیدگاه قرآن

## ۱- خداوند

هدایت در معنای عامش در قرآن به خداوند نسبت داده شده و فقط از ناحیه خداست. منتهی کار خدا تهیه کردن وسیله هایی است که مقصد را نشان می دهد و در نتیجه بندگان را به کمال برساند. در سوره طه آیه ۵۰ هدایت عامه را این طور بیان نموده است: «گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!» و هم چنین در سوره انسان آیه ۳ بیان شده است. «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس».

هر انسانی با فکر و اندیشه برای رسیدن به هدف زندگی، خواهان و طالب راهنمایی خداوند است زیرا انسان خودش نمی تواند برنامه کاملی برای هدف زندگی تنظیم کند، پس به هدایت الهی نیازمند است. خداوند آفریدگار حکیم است و هر موجودی را برای هدفی خاص خلق کرده و برای رسیدن به آن هدف او را هدایت کرده. آفرینش بی هدف نشانه نقص و ضعف و نا آگاهی است و از آنجایی که خداوند حکیم است پس هدایتگری او یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است ویژگی ها و ارزشهای او که خداوند در وجود انسان قرار داده سبب تمایز اساسی او از سایر موجودات می شود این ویژگی ها متناسب با هدف خلقت انسان یعنی تقرب به خدا که رسیدن به همه خوبی ها و نیکی ها می باشد است

خداوند همه موجودات از جمله انسان را به سوی مقصدشان هدایت می کند. هدایت هر موجودی متناسب با ساختار وجودی اوست از این رو هدایت انسان اختیاری است با عقل و نیروی درونی و ارسال پیامبران کا ر هدایت صورت می گیرد انسان می تواند با بهرمندی از هدایت خداوند زندگی بهتری در دنیا و خو شبختی جاودان در آخرت را بر نامه ریزی کند هدایت گر حقیقی خداست.

تنها نسخه ای که می تواند انسان را نجات دهد قانون و هدایت خداوند است زیرا قوانین بشری هر چند متریقی باشد با خطاء و شک همراه است و تنها شیوه مطمئن رسیدن به هدف و روش قابل اعتماد، عمل به راهنمایی خداوند است. سهل انگاری در عمل و بی توجهی به احکام خداوند مانند قرار دادن خود بر لبه پرتگاهی است که سقوط به وادی هو لناک گمراهی و سرگردانی را در پی خواهد داشت. لذا هدایت که همراه خطا و شک صورت گیرد هدایت کاملی نیست. از آنجایی که علم خداوند مطلق است و از همه جوانب جسمی - روحی - مادی و معنوی انسان آگاه است می تواند هدایتی را مدیریت کند که فاقد جهل و نارسایی باشد هدایت واقعی هدایت خداوند است و هدایت های دیگر سراب است حتی پیامبران از خود راه هدایتی ندارند و هدایت کار خداست. هدایت خاص خداست و پیامبران مأ موریت دارند که فقط در برابر پروردگار عالمیان تسلیم شوند. سنت توفیق خداوند مربوط به انسانهای دارای ایمان و عمل صالح است که از جلوه های این امداد و توفیق الهی نصرت و هدایت الهی را بدنبال تلاش و مجاهدت است به عبارت دیگر خداوند برای انسان های اهل سعی و تلاش شرائط و اسباب را چنان فراهم می سازد که ایشان بتوانند آسانتر به مقصد برسند. هر یک از موجودات جهان دارای آفرینش، ویژگی ها و هدایت خاص خود هستند و از آن جایی که هر موجودی به گونه ای ساخته شده که هدف خاصی را دنبال می کند، خواست هر انسان خردمندی از خداوند این است که او را به راه راست هدایت کند. وقتی خداوند همه انسانها را هدایت کرده اگر کسی هدایت پذیرد یا گمراه شود بر عهده خود اوست. خداوند هر مخلوقی را متناسب با ویژگی ها و خصوصیاتش هدایت می کند که آن را هدایت ویژه می

گویند و این موضوع دلیل دیگری بر نفی مشرکان است. زیرا در برابر کسی باید تسلیم شد که مالک و آفریدگار و مربی جهان هستی است نه بت ها که هیچ نقشی در ایجاد و اراده این جهان ندارند.

### آیا می توان راه هدایت را بدون راهنمای خدا پیدا کرد؟

انسان به کمک عقل خود تا حدودی حقایق را می فهمد و می تواند راه هدایت را از گمراهی تشخیص دهد اما پرتو و شعاع عقل محدود است و بسیاری از موضوعات از دید عقل غافل می ماند و لذا باره عقل در موضوعات علمی دچار اشتباه شده و تئوری ها و قوانین فراوانی که عقل اثبات کرده بعد از مدتی قابل اجرا نبوده و در قبرستان تاریخ دفن شده است. به همین دلیل عقل به تنهایی نمی تواند هدایتگر کافی باشد و انسان نیازمند راهنمایان الهی است، چون علم ما با علم خدا قابل مقایسه نیست پس نیازمند هدایت خداوند هستیم

یکی از شئون خدائی خدا این است که هر چیزی را به تکامل برساند و مراد از خلقتش را تمام کند یکی از چیزهای که آدمی با آن تکامل مییابد و تمام میشود و در صورت نبودش ناقص است این است که به سوی کمال هدایت شود. خداوند کارش عطاء و امداد است در مسیر زندگی به محتاجان مدد می رساند و هر چه را مستحق باشد عطا می کند هیچ چیز از طرف او سلب و دریغ نمی شود مگر کسی که خودش استحقاق دریافت نداشته باشد. هدایت یعنی نشان دادن هدف به وسیله نشان دادن راه یعنی وقتی راه را نشان دادی به هدف می رسد در مسیر هدایت نیز خداوند وسیله را در اختیار بندهاش قرار می دهد تا به هدف برسد

خداوند ولی مومنان است آنها را از تاریکی ها به نور هدایت می کند مومنان در مسیر هدایت و قرب الی الله پیوسته محتاج هدایت خداوند در هر مرحله هستند در هر کار و قدمی نیازمند هدایت او هستند برای همین در نماز پیوسته می خواهیم ما را به راه راست هدایت فرما.

### کعبه

در اصل از ماده کعب به معنای برآمدگی پشت پا است هر نوع بلندی و برآمدگی را کعب گویند. مکعب را نیز بخاطر اینکه چهار طرفش برآمده است مکعب گویند. کلمه کعبه هم اشاره به بلندی ظاهری خانه خداست و هم رمزی از عظمت و بلندی مقام آن است از آن جهت کعبه خوانده می شود که کعب (وسط) عالم قرار گرفته چنانکه رسول الله (ص) فرمود علت نام گذاری به کعبه آن است که در وسط دنیا قرار گرفته است. کعبه در نقطه مرکزی جای گرفته تا از یکسان بودن مردم در مکلف بودن و ربوبیت الهی خبر دهد- ربع مسکون- و جغرافیای خشکی ها این مطلب را تایید می کند (جمعی از نویسندگان ۱۳۸۶ ش) و شاید به خاطر آن است که چهار ضلع دارد. کعبه نخستین خانه ای است در روی زمین که برای عبادت مردم ساخته شده و زمین از این جا گسترده شده. اهمیت آن تا جایی است که در روایات اسلامی ویران کردن آن برابر قتل پیامبر (ص) و امام قرار گرفته. طواف آن از بهترین عبادات حتی نگاه کردن به آن هم عبادت محسوب می شود و گاهی توصیه شده از کعبه عمارتی بلند تر ساخته نشود ولی آنچه از این روایات فهمیده می شود اعتبارش به خاطر ساختمانش نیست علی (ع) در خطبه قاصعه ۱۹۲ فرموده: خداوند خانه اش را در سر زمین خشک و بی آب و علف با مصالح عادی و معمولی ساخت آنچه به کعبه اعتبار بخشیده و سبیل هدایت شده بخاطر قدیمی و پر سابقه ترین مرکز تو حید و پرستشگاه خداست و نقطه تمرکز برای توجه

ملت ها و اقوام مختلف است که در نزد خدا این همه اهمیت یافته است. نخستین خانه‌ای که برای مردم -و نیایش خداوند- قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است. آسمانی ترین نقطه زمین، محل پاره کردن رشته ها و تعلقات این جهان و پیوند با معبود، عامل هدایت همه جهانیان است. هدایش خاص ساکنان حرمتش یا حاجی که برای حج آمده و مسلمانان نیست زیرا قبل از اسلام نیز جلوی خرافات را گرفته و محل هدایت شناخته شده. هدایت کعبه دو سویه است هم به هدایت دنیا می پردازد هم به رسیدن قرب الهی و هدایت آخروی نظر دارد هم چنانکه هدایتش عمومیت داشته هم هدایتش شامل افراد در حرم می شود هم شامل همه جهانیان می شود ( طباطبایی، ۱۳۸۴ ش).

در آیه ۲۸ سوره فتح بیان شده است که: «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد». در این آیه استناد می کند دین اسلام جهانی خواهد شد و یکی از راههای جهانی شدن بهر بردن از مراسم حج است. در صدر اسلام مشرکان چون ابری در برابر تابش پُر فروغ نور اسلام ایستادند ولی سرانجام شکست خورده تسلیم اسلام شدند. اجتماع میلیونی مسلمانان در مکه، بدون تشریفات و امتیازات و بدون جدال لفظی و نزاع عملی در مکانی مقدّس، از امتیازات دین اسلام است. برنامه حج بر خاسته از علم بی نهایت خدایی است که بر همه چیز هستی آگاه است و هرگز علم محدود نمی تواند دستوری به این جامعیت و جذابیت صادر کند. خداوند در حج وسیله اجتماع مردم مشرق و مغرب را فراهم می آورد تا همدیگر را بشناسند و تفاهم کنند و هر قوم با دیگر اقوام در جهت غنی تر ساختن جوامع اسلامی تلاش کنند. کسی که حاضر به انجام فریضه حج می شود در واقع عبودیت خود را در طبق اخلاص نهاده و در مقام امثال اوامر حق حاضر به هر نوع جانفشانی حتی فدا کردن خود و عزیزان می باشد. در حالی که از هر گوشه از جهان اسلام به سوی یک مرکز دینی و الهی روی می آورند و آنان که امت واحده و پیرو یک دین و آئین و تابع یک کتاب و یک قبله و یک پیامبرند چنین اجتماع عظیم می تواند هر چند در زمان نسبتاً کوتاهی با ایجاد الفت و معارفه بین آنها از مر حله محبت قلبی گذر کند و به یک شکل جهانی تبلور یابد و در سایه این اجتماع مشکلات اسلامی حل شود مسلمانان در سایه چنین اتحاد و وحدتی قادر خواهند بود که به حکم یک امت اسلامی با صلابت هر چه افزونتر در قبال دشمنان قسم خورده دین مبین اسلام بایستند و مانند سیلی خروشان و گروهی عظیم و پا بر جا در برابر تند باد های حوادث با قامتی بلند در برابر آنها استقامت نموده تا به پیروزی وعده داده شده برسند.

### کُتُب آسمانی

کُتُب آسمانی نیز می تواند به عنوان یکی از مهمترین بسترهای هدایت انسان قرار گیرد. قرآن یکی دیگر از بسترهای هدایت را کتب آسمانی معرفی کرده در این بستر تکالیف انسان که موجب هدایت او می شود در قالب احکام به صورت اوامر و نواهی مطرح شده است. البته همه کتاب های آسمانی و رسولان الهی برای به کمال رسیدن انسان کوشیده اند. باید گفت که همه کتب آسمانی در یک سطح نیستند هرچند از یک منبع و مآخذ گرفته شده اند؛ زیرا عواملی مانند سطح درک و فهم مخاطبان و زمان و مکان در ابلاغ و تشریع احکام متفاوت بوده است. اما از میان کُتُب آسمانی تنها قرآن است که به طور آشکار و با تکرار، مسأله هدایت را مطرح کرده و موضوع اصلی خود قرارداد است. این کلمه با مشتقاتش ۳۰۶ بار در قرآن بکار رفته و این همه کثرت و گستردگی در قرآن حکایت از اهمیت این بحث دارد. قرآن راه رسیدن به کمالات و خیرات و رسیدن به خدا را معرفی می کند. هدایت قرآن به معرفت الله منحصر نیست بلکه در همه امور زندگی و حیات مادی و معنوی اعم از خودسازی، تزکیه نفس و رفتار با افراد و موضوعات دیگر می باشد. قرآن در سوره اسراء آیه ۹ می فرماید: «این قرآن، به راهی که استوارترین

راه‌هاست، هدایت می‌کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آنها پاداش بزرگی است.» هدایت قرآن با فطرت درونی و بیرونی جهان آفرینش و بشر هماهنگ است. هدایتش چنان فرا گیر و گسترده است که کسی یارای آوردن چنین کتابی که حیث‌های مختلفی از قبیل اعجاز بیانی و فصاحت و بلاغت و روشنگری و هدایت و... را دارا باشد را ندارد. هدایتگری قرآن چنان فرا گیر و گسترده است که امام سجاد(ع) فرمود: اگر همه آنچه ما بین غرب و شرق بمیرد و فقط قرآن با من باشد هراسی ندارم (کلینی، ۱۳۸۷ ش) قرآن متن هدایت، عین هدایت و هدایت همان قرآن است. در عین حال برترین و کاملترین هدایت هاست. نور هدایت قرآن برای همه زمان‌ها و همه مکان هاست. قرآن بعنوان آخرین پیام الهی کاملترین کتاب هدایت توسط کامل‌ترین خلیفه خدا برای هدایت جامعه بشری فرستاده شده نه تنها هدایتگری قرآن برترو کامل‌تراز هدایت دیگر کُتب آسمانی است بلکه باید گفت در بر دارنده همه هدایت‌های اندیشه‌های دیگرادیان نیز است. بری از هر عیب و تحریفی است زیرا هر گونه عیب یا نقص و تحریف به زیاده یا نقصان آن را از هادی بودن خارج می‌کند و نه تنها هادی نیست بلکه خود محتاج هدایت است هدایت قرآن از سنخ هدایت کُتب بشری نیست که سرشار از انذار و هشدار صرف باشد هدایت قرآن بر مبنای انسانی بوده و به تربیت و پرورش انسان می‌پردازد حتی در داستانهای هدایت است. زیرا داستان در راستای هدایتگری انسان است قرآن راهنمایی است که به بهترین طریق راهنمایی می‌کند حق را از باطل جدا می‌کند. البته هدایت قرآن برای کسانی است که در خود زمینه پذیرش حق را ایجاد کرده و خواستار رضایت خداوند باشند و همچنین برای بهرمندی از هدایت قرآن شرائطی لازم است از جمله این که دانش طلبی و یقین جوی، انفاق، تقوا، خشیت و خوف الهی، رضوان طلبی، زندگی، تسلط بر قلب، ایمان و نیکو کاری، در طلب راه راست تلاش کردن، سجده و تسبیح و شب زنده داری و در نهایت تمسک به قرآن داشتن ضروری است.

قرآن برای هدایت همه نازل شده اگر در برخی آیات هدایت را ویژه پرهیزکاران می‌داند دلایل آنست که تا آنچه مطابق با عقل و فطرت است پذیرا نباشی هدایت کتاب‌های آسمانی و دعوت انبیاء الهی شامل نمی‌شود وقتی قرآن خودش را هادی و راهنمای متقیان معرفی می‌کند مرادش این است که بذر هدایت هم در دل‌های پذیرای هدایت شده رشد می‌کند هم در دل‌های متعصب و لجوج. زیرا هدایت پیامبران شامل توده زیادی از گمراهان شده که وقتی تحت تعلیم و تربیت صحیح قرار می‌گیرند هدایت می‌شوند از طرف دیگر برای گروهی که هدایت را نمی‌پذیرند اتمام حجت می‌شود که قصاص قبل از جنایت نباشد یعنی دعوت و هدایتگری صورت می‌گیرد تا گمراهان اعمال و رفتار گمراهی خود را بروز دهند تا مستحق کیفر شوند از طرف دیگر قرآن مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است یعنی بعنوان هدایت پاداشی و ثانوی است که بهره مؤمنانی است که از سرمایه هدایت فطری و همگانی قرآن بهره برده اند قرآن مؤمنان را هدایت می‌کند و البته چون کافران استحقاق و قابلیت هدایت را ندارند و در برابر آن ایستاده اند هدایت نمی‌کند و مایه ضرر و ضلالت آنها می‌شود.

قرآن خودش را برهان به معنای حجت و دلیل و روستگر و جدا کننده حق از باطل معرفی می‌کند خودش را به همه افکار بشری عرضه می‌کند و همه را به بهرمندی از آن دعوت می‌کند چون همه انسان‌ها فطرت مشترک دارند دعوتش همگانی است و هدایتش شامل همه می‌شود بنابراین کتابی همگانی جهانی و قابل قبول عقول و افهام انسان هاست و این یکی از طُرُق هدایت تشریعی و ارائه طریق الهی است. قرآن نوری است که پویندگان رضایت خدا را به راه‌هایی که از هر نظر سلامت است هدایت می‌کند و مسافران را به سلامت به سر منزل مقصود که خداست می‌رساند و انسان را از راه امنی به شاهرها هدایت راهنمایی می‌کند مؤمنانی که به این ریسمان محکم الهی چنگ بزنند و به آن پناه ببرند خدا اینان را به رحمت و فضل ویژه اش یاری می‌سازد و به ذات خویش راهنمایی و هدایت می‌کند. قرآن بیانگر هر چیزی است که در هدایت مردم نقش

دارد روایات معصومین (ع) نیز به روشنی به شأن هدایتی قرآن تصریح دارند. قرآن کتاب هدایت بشر به سوی سعادت دنیا و آخرت و حاوی مطالب متنوعی است که برای هدایت همه جانبه انسان لازم بوده و به هر موضوع تا بدان پایه پرداخته که مقتضای حکمت و مورد نیاز واقعی انسان است.

### نشانه های هدایت پذیری انسان با توجه به آیات قرآن

در این پژوهش به مراتب هدایت و منشأ و ملاک هدایت و هدایت پذیری نیز پرداخته شده است. و همچنین علائم و نشانه های هدایت و هدایت پذیری از دیدگاه قرآن پرداخته شده که مهمترین این علائم عبارتند از:

اسلام: این مطلب در سوره آل عمران آیه ۲۰ این طور بیان شده است. « پس اگر با تو جدال و گفتگوی خصومت آمیز کردند، [فقط در پاسخشان] بگو: من و همه پیروانم وجود خود را تسلیم خدا کرده ایم. و به اهل کتاب و به بی سوادان [مشرك] بگو: آیا شما هم تسلیم شده اید؟ پس اگر تسلیم شوند، قطعاً هدایت یافته اند، و اگر روی گردانند [بر تو دشوار و سخت نیاید] که آنچه بر عهده توست فقط ابلاغ [پیام خدا] است و خدا به بندگان بیناست». انفاق، ایمان، تقوی، توحید، شرح صدر، نماز

اعتقاد و باور به قرآن، یکی از مهم ترین علائم هدایت پذیری است. قرآن آشنا شدن با علوم و معارف و حقائق قرآن که سرچشمه زلال و پاک دانش ها و سرشار از گوهر تابناک هدایت است می تواند سرمایه حیات انسان قرار گیرد و انسان را آنچنان که در خور شأن و مقام ارجمند خلیفه اللهی است برساند.

مهمترین رسالت قرآن همانا مهندسی زمینه های مستعد دل های حق طلب بشر می باشد که عصاره پیام همه پیامبران و رسالت همه کتاب های آسمانی است.

انسان از این رو که مخاطب قرآن قرار گرفته است یکی از اساسی ترین و محوری ترین موضوعات قرآن می باشد و در آن با الفاظ متعددی از قبیل "انسان"، بشر، ناس، أناس، انس، انسی، أناسی و بنی آدم یاد شده است انسان موجودی است که آفرینش عالم هستی به خاطر اوست اگرچه از مسلم ترین پدیده های جهان هستی است ولی با همه تحقیقات و اطلاعات موجود پیرامون او هنوز برخی او را از جنبه های مختلف موجودی نا شناخته می دانند انسان به ظاهر موجودی آمیخته از تضادها و نا همگونی هاست از سوی میل دارد مظهر خداوند و حقائق هستی شود او در نظام خلقت، کُل سر سبد همه مخلوقات است، و بر همه موجودات عالم برتری دارد ا در حالی که از سوی دیگر تمایل به شیطان و مظاهر پستی دارد او مجهز به همه ابزارها و زمینه های پیشرفت و تکامل مادی و معنوی می باشد او موجودی است در میان دو بی نهایت تکامل و سقوط او می تواند برترین موجود هستی شود و به اصطلاح رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند او می تواند به جایی برسد که فرشته در پیشگاه او خد متکوار باشد و یا پست ترین موجودات شود که مانند حیوانات بلکه پست تر از حیوانات شود اگر تو انست خواهش های نفسانی را مهار کرده در خدمت خدا و دین خدا و بندگان خدا بکار گیرد از ملک هم برتر می شود اما اگر اسیر نفس و خواهش های حیوانی گردید و همچون موجودی بی اختیار به هر سمت و سویی کشیده شود و در گرداب فتنه ها و قدرت طلبی ها و جنگ و خون ریزی ها فرو رفت از حیوان نیز پست تر می گردد. انتخاب با خود انسان است هر دو راه در مقابل انسان است خداوند راه را نشان داده و او را هدایت نموده است او می تواند با عقل و انتخاب و راهنمایی سفیران هدایت به سوی کمال گام بردارد اما با این حال می تواند تسلیم هوای نفس شده و همه سرمایه ی وجودی خود را از بین ببرد و در ورطه سقوط بیفتد او موجودی با هدف



و هدایت شده است که با بهره گیری از برنامه هایی که در مسیر هدایت است می تواند به تکامل برسد از طرفی خرد و قدرت بر تصمیم گیری و انتخاب دو بال توانایی او و از طرفی دیگر رسولان الهی و پیشوایان هدایت کمک و یاری گر او هستند خداوند راهنمایان و هادیان نور و رحمت را با تابلوهای دقیق راهنمایی مجهز به آیین نامه ها و کتاب های آسمانی به ویژه حضرت محمد(ص) و خاندان امامت و ولایت همراه با برترین و روشن ترین کتاب زندگی و سعادت بخش بشری یعنی قرآن کریم را فرستاده است تا در تمام زمینه ها، لحظه به لحظه، جامعه بشریت و پیروان راه حق را هدایت کرده و نجات بخشد موانع هدایت اما او برای رسیدن به این مرحله موانعی فراوانی دارد که عدم عبور از این موانع او را از رسیدن به معراج محروم می سازد

### هدایت :

هدایت در یک معنا به معنی دلالت و راهنمایی توأم با لطف و دقت است/ مفردات گاهی هدایت را به معنای ارائه طریق یعنی نشان دادن راه که مصداق آیه ۵۰ سوره طه «گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!» و گاهی به معنای ایصال الی المطلوب یعنی رساندن به مقصد. که مصداق آیه ۲ سوره بقره می باشد.

هدایت عبارت است از دلالت و نشان دادن هدف بوسیله نشان دادن راه و این خودنوعی رساندن به هدف است همچنین بیان راه رشد، کمال و بسترسازی برای رسیدن به چیز مطلوب در امور مادی و معنوی به کار می رود مقابل هدایت، ظلال و گمراهی است از آنجای که هدف از آفرینش به کمال رسیدن موجودات را گویند از آنجای که انسان دارای اختیار و حق انتخاب است نیازمند هدایت می باشد و هدایت، و هدایتگری کار خداست در مسئله هدایت خداوند وسائل هدایت را فراهم می کند تا هدف و مطلوب روشن شده و بنده گانش در مسیر زندگی به هدف نهایی خود برسد بنابراین کار هدایت بردن از راه ها است و هر راهی هدایتی خاص می خواهد در تفسیر اینکه افراد هدایت شده دو بار طلب هدایت می کنند باید گفت هدایت سُبُل های زیادی دارد مومن از خدا می خواهد او را از سبیلی به سبیل بالاتر و به مسلمانی بالا تر برساند. خداوند به وسیله هدایت ویژه اش هر کدام از بند گانش را که بخواهد هدایت و رهبری می کند اگر چه این بندگان هدایت شده افراد صالحی بودند و با نیروی عقل و اندیشه و با تمام وجود خود در طریق هدایت گام بر می داشتند، ولی باز اگر تو فیک الهی شامل حال آنها نمی شد امکان لغزش درباره همه آنها وجود داشت و از روی اجبار در این راه گام بر نمی داشتند.

واژه هدایت در لغت به معنای راهیابی و هدایت کردن، نشان دادن راه و در قرآن هدایت الهی، دلالت، آشکار، اشاره و راهنمایی کردن آمده است و در اصطلاح هدایت عبارت است از تعیین کمال مناسب یک شیء و راه رسیدن به آن معنا شده است.

هدایت به معنایی راهنمایی و ارشاد، راه رشد و ترقی را بیان نموده و زمینه رسیدن به حقیقت که فلسفه آفرینش و راه رسیدن موجودات به کمال مطلوب است را هموار می سازد هدایت پیمودن طریق تکامل است که انسان تدریجاً مراحل نقص را طی کرده به کمال می رسد هدایت در این معنا پیمودن طریق تکامل حتی برای پیامبران نیز وجود دارد و تعجب ندارد که آنان نیز از خدا طلب هدایت کنند آنان تقاضای هدایت به صراط مستقیم می کنند چون کمال مطلق تنها خداست و آنها نیز تقاضای درجات بالا تر از خدا می کنند در خواست آنها برای هدایت، هدایت ابتدایی نیست تا تحصیل حاصل شود بلکه این درخواست مانند درخواست افزایش علم است وقتی در قالب دعا می گوئیم "رب زدنی علماً" درخواست درستی است این دعا به این معنا نیست که ما علم نداریم بلکه خواستار علم بالاتر را دارد هدایت عمومی در سایه عقل، فطرت و غرایز انجام می گیرد اما این به

تنهایی کافی نیست زیرا انسان در مسیر هدایت با موانع زیادی برخورد می کند که نیاز دارد دستش گرفته شود و از این موانع به سلامت رد شود. شیطان قسم خورده از یک طرف، قرار گرفتن در متن ماده و ملک از طرف دیگر، او را نیازمند هدایت خاصی می کند که به آن هدایت وحیانی گویند که توسط کُتب آسمانی و ارسال رسول انجام شده است.

### قرآن هدایت رابه دو قسم تقسیم نموده است:

الف: هدایت تکوینی: هدایت تکوینی که هدایتی عمومی بوده در مورد تمام موجودات جهان وجود دارد یعنی رهبری موجودات به وسیله پروردگار زیرپوشش نظام آفرینش قانونمندی حساب شده است.

گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!» این نوع هدایت مخصوص خداست و ابزار وسایل هدایت آن علل و اسباب طبیعی و ماوراء طبیعی است از آنجای که میان شیء و غایت و کمال آن رابطه دقیقی است برای رسیدن به کمال باید هدایت مخصوص همان شیء صورت گیرد این همان هدایت همگانی است در هدایت تکوینی مباحث مربوط به جهان و طبیعت یعنی همه تحولاتی که در جهان و طبیعت شکل می گیرد و جهان را به مسیری خاص سوق می دهد و آنها را به هدفشان می رساند مانند نظم جهان و قوانین ثابت شده بحث می شود این نوع از هدایت هرچند با ابزارهای مثل عقل و فطرت می تواند در مسیر هدایت قرار گیرد ولی انسان گاه دچار اشتباه شده و کمال واقعی را از غیر واقعی تشخیص نمی دهد و در شناخت حق از باطل بازمی ماند و همان ابزارها که مدعی هادیگری به تنهایی بودند نیز در دام وسوسه های شیطان و هوای نفس می افتند و در مواقع حساس و نهایی دچار سردرگمی شده و نمی تواند حق را از باطل تشخیص دهند بنابراین باید با ابزاری کاربردیتر که بتواند در مواقع سردرگمی و حیرانی هدایت خاصی ارائه دهد به هدایت بشر پرداخت و این همان هدایت تشریعی است ب: هدایت تشریعی: این نوع هدایت فقط به هدایت انسان می پردازد زیرا انسان را موجودی مختار و دارای حق انتخاب می داند که علاوه بر هدایت عمومی به هدایت خصوصی نیز نیاز دارد که این هدایت به هدایت وحیانی مشهور است که یا توسط کُتب آسمانی - ممکن است دو عامل تحریف یا نسخ- آن را از هدایتگری بیندازد و طریق دیگر توسط انسانی است که به صورت مستقیم یا با واسطه وحی را دریافت نموده و البته به آن عمل می کند می تواند هادی باشد برای کُتب آسمانی بدل و جانشین بیان نمی شود در صورتی که برای دومی جانشین و نماینده می توان تصور کرد مراد از این نوع هدایت راهنمایی افراد از طریق تعلیم و تربیت توسط پیامبران و امامان و افراد صالح و مریبان دلسوز با فراهم ساختن وسایل و در اختیار قرار دادن آنها در اختیار انسان است تا انسان با میل و اراده خود پیشرفت کند در این نوع هدایت انسان با تعلیم و تربیت پیامبران در مسیر تکامل پیش می رود.

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند. این ویژگی خاص انسان است که با اراده و اختیار موقع تشخیص حق از باطل به کمک همین هدایت خاص حق را از باطل زشت را از زیبا خوب را از بد و هدایت را از ضلالت تمیز دهد که اگر این هدایت نبود هرگز انسان به صراط مستقیم و کمال مطلوب دست نمی یافت این هدایت با کُتب آسمانی و ارسال رسولان صورت می گیرد تا انسانها را به هدف نهایی که همان کمال مطلوب است برساند بعد از این هدایت نوبت عمل است که البته تو فیک پروردگار شامل آنها می شود راهها بر آنها هموار می گردد و افراد با کسب شایستگی ها در مسیر هدایت رشد کرده و از آن بهر مند می شوند هدایت در این معنا مانند این است که انسان راه را به کسی که می پرسد و طالب است با دقت و لطف نشان دهد اما پیمودن و به مقصد رسیدن به عهده خود اوست ولی گاهی دست او را می گیرد علاوه بر ارائه راه او را به

مقصد می رساند برای این نوع از هدایت شرائطی را مطرح می کند گاهی پیروی از فرمان خدا و جلب خشنودی او را زمینه هدایت الهی شمرده و در جای دیگر توبه و انابه را عامل استحقاق هدایت شمرده گاهی شرط اصلی هدایت را جهاد در راه خدا شمرده و در جای دیگر پیمودن بخشی از راه هدایت را ضامن ادامه راه به لطف خدا معرفی می کند .

در این رساله همین نوع هدایت خاص مورد بررسی قرار می گیرد اینکه هدایت خاص به عنوان عامل حتمی در هدایت انسان نقش داشته باشد در آیات قرآن مطرح شده پیام این دسته از آیات این است که اگر انسان زمینه های هدایت پذیری را دارا نباشد نمی تواند به کمال مطلوب برسد زیرا هر چند از هدایت عمومی برخوردارند ولی طوری عمل کرده اند که زنگار جهل و فراموشی روی این هدایت را گرفته و مانع پذیرش هدایت بیرونی و خاص شده زمانی هدایت بیرونی و خاص می تواند تاثیر بگذارد که عقل و فطرت او سالم باشد و زیرخواهش های نقش و غرا یز امر کننده دفن نشده باشد تفاوت اساسی انسان ها در پذیرش یا رد هدایت بیرونی در میزان بهرمندی انسان از عقل و غریزه اوست و همین موضوع حجت را بر انسان تمام می کند یعنی هرگز کسی را وادار به پذیرش هدایت خاص نمی کند بلکه با زمینه های که ایجاد می کند خود را مستحق دریافت این کمال می کند بر اساس آموزهای قرآنی، هدایت خاص از طریق ارسال رسولان و فرستادن کُتب آسمانی - که عنایت ویژه خداوند- به انسان بوده و رسیدن به هدایت الهی منتهی از جانب اوست زیرا با کمک این هدایت بیرونی و خاص انسان کمال می یابد و هدایت خاص را به عنوان راهنمایی بیرونی قراردادده تا مسیر هدایت تکوینی و فطری را گم نکنند و چنین انسان هدایت شده ای ارزشمند است و هدایتش تا درجه ای است که گویا همه انسانها هدایت شده اند به عبارت دیگر هرچه از سلامت فطرت و عقل بیشتری برخوردار باشد تاثیر بیشتری از وحی به او می رسد در سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۳۸ « این، بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران! » هر گونه بهرمندی از هدایت های وحیانی را منوط به مساعد بودن شرایط درونی می داند و از این زمینه ها به تقوای فطری و عقلانی یاد می شود پس آنچه مهم در پذیرش وحی است سلامت عقل و قلب انسان است.

هدایت از روی حکمت و حساب و مصالح است یعنی هدایت خداوند بدون حساب نیست هدایت نعمتی است که خداوند به ما داده باید پیوسته از او بخواهیم که هدایت از ما سلب نشود زیرا برای انسان در مسیر هدایت هر لحظه بیم لغزش و گمراهی و انحراف می رود پس باید دائماً از او تقاضا کنیم که ما را به راه راست نگه دارد چون هر لحظه به ما وجود جدید می رسد باید از او هدایت جدیدی نیز طلب کنیم اگر در این مسیر موانعی - ان شاء الله در فصل سوم به آن خواهیم پرداخت- ایجاد شود پیوند ها از آن منبع هدایت قطع می شود و از صراط مستقیم منحرف خواهیم شد پس باید مدام موانع گمراهی را شناسایی کرد و از خدا طلب کنیم که ما گمراه نشویم از آنجایی که طریق تکامل نا محدود و بی نهایت است ما باید هر لحظه طلب هدایت کنیم زیرا کمال مطلق اوست حتی پیامبران و امامان نیز در مسیر تکامل هستند و از خداوند در خواست درجه بالا تر را تمنا می کنند.

اما کسانی که در راه هدایت گام نهاده اند، خداوند بر هدایتشان می افزاید؛ و آثار شایسته ای که (از انسان) باقی می ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است! خداوند هدایت هدایت یافتگان را افزون می کند.

کسانی که هدایت یافته اند، خداوند بر هدایتشان می افزاید و روح تقوا به آنان می بخشد! آنان که هدایت یافته اند خداوند هدایتشان را می افزاید علی (ع) می فرماید خدایا تو فیهاتی که در گذشته بر ما ارزانی داشتی و به برکت آنها تو را اطاعت

کردیم همچنان ادامه ده تا در آینده عمرمان تو را اطاعت کنیم صافی/ زیر آیه إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ما را به راه راست هدایت کن.

### نتیجه گیری از آیاتی که در مورد هدایت آمده

ازمجموع آیات هدایت و آنچه ارباب لغت در باب هدایت گفته شده به ویژه آنچه در قرآن استفاده شده هدایت به معنایی راه یافتن انسان به سمت تعالی و ترقی و کمالات علمی و فکری و اخلاقی و رسیدن به قلّه ی بلند سعادت است.

افزایش هدایت و کسب تقوا: کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد (سوره محمد، آیه ۱۷)

خروج از تسلط گمراهان: و هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت آیا خداوند توانا و دارای مجازات نیست؟ (سوره زمر، آیه ۳۷)

عدم گمراهی و شقاوت: خداوند فرمود: هر دو از آن (بهشت) فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود، و نه در رنج خواهد بود! (سوره طه، آیه ۱۲۳)

در معرض سلام خدا قرار گرفتن: به سراغ او بروید و بگویید: ما فرستادگان پروردگار توئیم! بنی اسرائیل را با ما بفرست؛ و آنان را شکنجه و آزار مکن! ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده‌ایم! و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند (سوره طه، آیه ۴۷)

سنگین شمردن احکام و امتحان خدا: همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است. و ما، آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی‌گردند، مشخص شوند. و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است؛) و خدا هرگز ایمان [= نماز] شما را ضایع نمی‌گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است. (سوره بقره آیه ۱۴۳)

عدم ترس و اندوه: گفتیم: همگی از آن، فرود آید! هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین شوند (سوره بقره آیه ۳۸)

شناخت نفس: قرآن شناخت نفس و تأمل در آن را راهی برای هدایت می‌داند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ و شما را از آنچه عمل می‌کردید، آگاه می‌سازد در این آیه می‌فرماید هر گاه در نفس خود تأمل کنید به هدایت می‌رسید و گمراهی دیگران در شما اثر ندارد. (سوره مائده آیه ۱۰۵)

قرآن کریم نتیجه بهرمندی از عقل و قلب سلیم راگوش جان سپردن به ندای وحی می داند و نتیجه آن شناخت راه حق از باطل و عمل کردن به حق می باشد امر هدایت مو هیتی از جانب خداست که به انسان داده شده این نوشتار در سه بخش تلاش کرد تا با کمک قرآن و مفسران و صاحب نظران تا حد امکان این موضوع را جزی کند امید است تبیین زوایای نا شناخته این بحث و حقیقت قرآن را به جو یند گان حقیقت عطاء فرماید و روش بهتری برای بهر مندی از مو ضوعات قرآن و بهرمندی از هدایتش به جو یندگان ارائه نمایند. هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین شوند.

### منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام
۳. صحیفه سجّادیه، ترجمه عبدالمحمد آیتی
۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم، ۱۳۶۶ش، تفسیر جامع، انتشارات صدر، تهران
۵. ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ق، تفسیر روان جاوید، انتشارات برهان، تهران
۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنی عشری، انتشارات میقات، تهران، چاپ اول
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی چا، ترجمه المفردات فی غریب القرآن، خسروی، غلام رضا، مرتضوی، تهران، ۱۴۱۲ ق
۸. طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲ش، پرتویی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران
۹. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، محمد باقر موسوی همدانی، دفتر نشر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، انتشارات ناصر خسرو، تهران
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، انتشارات هجرت، قم
۱۲. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر صافی، انتشارات صدر، تهران
۱۳. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر فی غریب الشهر الکبیر، مؤسسه دارالهجره، قم
۱۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران
۱۵. قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۷ش، اصول کافی، نشر جهان آرا، تهران
۱۷. مترجمان، تفسیر هدایت، ۱۳۷۷ش، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد مقدس

۱۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰ ش، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران
۱۹. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: تهران
۲۰. نوبت چاپ: اول ۱۳۶۸ ش
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران